

« دلیل چهارم قائلین به جواز بقاء بر میت) سیره متشرعه

۱. مرحوم شیخ عبارتی دارند که شاید بتوان آن را «سیره متشرعه» دانست: (اگرچه ممکن است بتوان آن را به سیره عقلا هم بازگرداند)

«و ربما يتمسك بالسيرة المستمرة من زمان أصحاب الأئمة عليهم السلام فانا لم نسمع بمن اعتبر أمر الناس بالعدول بعد موت قائله و لا أحد أعدل كذلك مع توفر دواعي نقله.»^۱

۲. مرحوم شیخ به این سیره پاسخ می‌دهد:

«و فيه ان فتاوى أصحاب الأئمة عليهم السلام على ضروب أحدهما ما يعلم كونه مأخوذا من الرواية المعتبرة المنقولة فيؤخذ كما يؤخذ الرواية و يصنع كما يصنع كما حكى غير واحد مثل ذلك في فتاوى على ابن بابويه (ره) و كذلك في فتاوى الشيخ (قده) حيث ذكروا ان من تأخر عنه من العلماء مقلدون له فان المراد بالتقليد في ذلك نظير قوله عليه السلام فللعوام ان يقلدوه مع انه في مقام تجويز أخذ الخبر و الحكاية عن العلماء. و منها ما كان من قبيل الرواية المنقولة بالمعنى مع اطمئنان السامع بعدم وجود المعارض له و عدم صدوره تقيية لحسن ظنه بمن أخذ منه فيحصل الاجتهاد من نفس ذلك الخبر من غير حاجة إلى شيء آخر و كأن من أوجب الاجتهاد عينا لاحظ ذلك و لاحظ سهولة تحصيل الإجماع في الإجماعات. و منها ما يفيد القطع للسامع خصوصا إذا كان ممن لا يلتفت إلى الاحتمالات كالعوام و النسوان. و منها ما يكون بطريق محض التقليد مع عدم القطع بل الظن أيضا بمطابقته للواقع. و لا يخفى ان دعوى السيرة في الثلاثة الأولى لا تنفع و في الرابع ممنوعة جدا و أما دعوى حكم العادة بأنه لو لم يجز البقاء لوصل المنع مع توفر الدواعي، فيردها ان ما وصل من المنع عن تقليد الميت من الإجماعات و الفتاوى الكاشفة عن وجود مستند شرعى كاف في المنع عن البقاء.»

توضیح:

۱. فتاوی اصحاب ائمه چند نوع است
۲. یک) نقل عین متن روایت بوده است. در این صورت تقلید از فتوی به معنای پذیرش متن روایت بوده است.
۳. و لذا گفته‌اند که فقها مقلد شیخ طوسی بوده‌اند در حالیکه تقلید از شیخ طوسی به معنای پذیرش فتاوی او بوده است. (چنانکه در روایت «فللعوام ان يقلدوه»، تقلید به معنای اخذ روایت است)
۴. دو) نقل به معنای روایت. (در حالیکه مخاطبان مطمئن بوده‌اند که معارضی در میان نیست و روایت در مقام تقيیه نبوده است و فهم مفتی کامل بوده است و ...)

۱. مجموعه رسائل فقهية و اصولية، ص ۶۳





۵. در این نوع، اجتهاد مجتهد به فهم مضمون روایت بوده است
۶. و کسانی که می‌گفتند همه مردم باید مجتهد شوند، معتقد به همین نوع اجتهاد بوده‌اند و می‌گفتند با مراجعه به اجماعیات، همه می‌توانند علم به اجماع‌های شیعه پیدا کنند.
۷. سه (سه فتوایی که مخاطب‌ها (مثل زنان و بچه‌ها) یقین به صحت آنها پیدا می‌کردند.
۸. چهار (چهار فتوایی که ظنی است و مخاطب‌ها یقین و ظن به مطابقت آنها با واقع ندارند.
۹. سیره مستمره در سه مورد اول، فائده‌ای برای حجیت بقاء بر تقلید میت ندارد و ادعای سیره مستمره در نوع چهارم، قابل رد است.
۱۰. اما اینکه مدعی می‌گوید اگر منع شده بود گفته می‌شد:
۱۱. در جواب می‌گوییم، اجماعات متعدد که بر عدم جواز بقاء بر تقلید ادعا شده است، کاشف از وجود دلیل شرعی است و همان دلیل شرعی مانع است.